

اصول دیپلماسی در سیره رسول اکرم(ص)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۱

حسین حسن پور^۱

چکیده:

دیپلماسی به مفهوم کلی آن شامل روابط میان دولت ها و اداره ی امور در بین آنها با ابزار مسالمت آمیز است که به وسیله آن ،سیاست های خارجی اجرا شده و دولت ها را قادر می سازد به نتایج و اهداف مشخص خود در روابط خارجی دست یابند . هدف از بحث رفتار سیاسی و دیپلماسی در اسلام و در سیره سیاسی پیامبر(ص) ؛ بررسی و مطالعه ی روش ها و شیوه های برخورد و واکنشهای سیاسی است که اسلام در روابط خود به عنوان خط مشی اصولی ترسیم می کند .دیپلماسی پیامبر اسلام که بر پایه ی استراتژی دعوت، صلح و جهاد استوار است، نوعی از برخورد سیاسی توأم با صداقت و صراحت و قاطعیت را نشان می دهد . همچنین اهم شیوه های اجرایی دیپلماسی ایشان، مذاکره با سفرا و نمایندگان، ارسال پیام به سران دولت ها و قبایل ، انعقاد پیمان ها و قرارداد های سیاسی می باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، روابط دیپلماتیک، استراتژی صلح

^۱ - کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نهران مرکزی

The Principles of Diplomacy from the Perspective the Prophet Muhammad (peace be upon him)

Hosein Hasanpour

Abstract:

Diplomacy in its broadest sense involves relations between governments and the administration of affairs between them with peaceful means by which foreign policy is implemented and enables governments to achieve their specific goals and objectives in foreign relations. . The purpose of the discussion of political behavior and diplomacy in Islam and in the political course of the Prophet (PBUH) is to study and study the methods and ways of dealing with and the political reactions that Islam portrays in its relations as a principled policy. Based on the strategy of invitation, peace and jihad, it shows a kind of political approach to honesty, openness and determination. Also important are their diplomatic practices, negotiating with ambassadors and delegates, sending messages to heads of state and tribes, concluding political treaties and contracts.

Keywords: Diplomacy, Diplomatic Relations, Peace Strategy

مقدمه

اسلام دینی است جامع، آیینی است که تنها به مباحث ایمانی و اعتقادی شخص نمی پردازد بلکه برای تمام شئون زندگی انسانی اعم از فردی و اجتماعی برنامه و راهکار ارائه می دهد. قرآن مانند سایر کتاب آسمانی نیست که فقط منحصر به عقیده و ایمان و مباحث اعتقادی باشد بلکه قرآن هم ایمان است هم عقیده هم قانون و شریعت. پیامبر اسلام (ص) نیز تنها پیام آور نیست. ایشان هم پیام آور و هم الگو در تمام شئون اعم از حاکم، مدیر و هم یک سیاست مدار قابل می باشند. شناخت ابعاد سیاسی روش حکمرانی پیامبر اسلام (ص) به ویژه در روابط با حکمرانان خارجی و غیرمسلمان برای درک مناسب تر جامعیت تعالیم اسلامی امری لازم و ضروری است. از طرفی با توجه به اهمیت دیپلماسی و چانه زنی سیاسی در تعقیب و پیگیری اهداف و منافع کشورها، طرح موضوع دیپلماسی بیش از هر زمان دیگری حائز اهمیت است. این پژوهش با نظر به ضرورت موضوع، می کوشد تا با استناد به منابع تاریخی اسلام، دیپلماسی دولت اسلامی و سیره و رفتار سیاسی پیامبر (ص) و حقوق بین الملل در حوزه روابط و سیاست خارجی دولت ها استخراج و تدوین کند.

۱- دیپلماسی

۱-۱ دیپلماسی در لغت:

دیپلماسی در فرهنگ نامه دهخدا « فن و عمل رهبری مذاکرات میان ملت ها برای حصول سازش که مورد رضایت متقابل همگان باشد و کارکرد و روش رهبری مذاکرات میان دولتها » تعریف شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۳۹۴)

دیپلماسی در فرهنگ معین مجموعه قواعدی که از روابط بین دول بحث کند. (معین، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۵۵۰) دیپلماسی در فرهنگ عمید نیز سیاست، علم سیاست، کار سیاست و فن ارتباط با کشورهای دیگر تعریف شده است. (عمید، ۱۳۸۸، ۴۸۸)

۱-۲ دیپلماسی در اصطلاح:

دیپلماسی در اصطلاح «اصول و مقرراتی است که به موجب آنها روابط دولتها با یکدیگر از طریق مذاکره و ارسال ماموران فوق العاده و جلب موافقت یا عقد قراردادهای نظام می یابد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۳۱۶)

دیپلماسی واژه ای است برگرفته از ریشه یونانی «diploma» که به مفهوم نوشته ی طومار گونه ای است که به موجب آن امتیازهای خاصی به کسی داده می شود. این واژه بعدها در نزد دولتهای دیگر و فرستادگان دولتها اطلاق شد. به تدریج با افزایش روز افزون مبادله ها و نیز ضرورت استخدام افراد برای نگه داری این اسناد، به این امر توجه بیشتری شد و آنان را «دیپلمات» و شغل شان را «دیپلماسی» خواندند. مفهوم کنونی واژه ی دیپلماسی و دیپلمات، به اواخر قرن هجدهم برمی گردد. (سجادی، ۱۳۹۲، ۱۹- ۲۰) بعدها همین اصطلاح در مورد

احکامی به کار رفت که به موجب آن امتیازی به یک موسسه یا غالباً به یک شهر داده می شد و سند مزبور بدارنده آن؛ حق می داد که از آن حقوق یا امتیازات استفاده کند. از این ریشه واژه دیپلم (در فرانسه) و دیپلما (در زبانهای دیگر اروپایی) و صفت دیپلماتیک و کلمات دیپلماسی و «دیپلمات» ساخته شده است. صفت دیپلماتیک در معنی عام به روابط بین دو دولت اطلاق می شود، اما در معنی خاص برای نوعی از روابط به کار می رود. (صدر، ۱۳۷۶، ۱۴ - ۱۵)

برای کلمه دیپلماسی تعاریف مختلفی آورده اند از جمله:

«- اداره امور بین الملل به وسیله سفیر و دیگر ماموران دیپلماتیک.

- اداره امور بین دولتها به وسایل مسالمت آمیز

- شغل دیپلمات

- هنر دیپلمات در اداره امور خارجی دولت به وسایل مسالمت آمیز خصوصاً با

مذاکره و گفت و گو.» (موسوی، ۱۳۸۶، ۲)

دیپلماسی که به مفهوم کلی و موسع آن روابط بین دولتها و اداره امور بین آنها با وسایل مسالمت آمیز است، امروزه، بیشتر به شیوه ای گفته می شود که بوسیله آن، سیاستهای خارجی اعمال و دولتها قادر می شوند به نتایج و هدفهای مشخص خود در روابط خارجی برسند. پس، سیاست خارجی؛ خط مشی و برنامه رسیدن به هدفهای داخلی و خارجی دولت را در عرصه ی بین المللی مشخص می کند و دیپلماسی طریقه و شیوه ی اعمال خط مشی ها و برنامه های خارجی و کیفیت شیوه های دیپلماسی را بر عهده دارد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹،

۳-۱ اهمیت دیپلماسی

دیپلماسی با مدیریت مناسبات میان دولت ها و روابط دولت ها با سایر بازیگران سر و کار دارد. بدین لحاظ دیپلماسی وسیله ای است که دولت ها به کمک آن ، و از طریق نمایندگان رسمی و غیر رسمی خود و نیز سایر بازیگران، با استفاده از مکاتبات ، مذاکرات خصوصی، تبادل دیدگاه ها، اعمال نفوذ، ملاقات ها، تهدید ها، و دیگر فعالیت های مربوط به بیان، هماهنگ سازی و تامین منافع ویژه و گسترده تر می پردازد. هر چند اغلب متصور می شد دیپلماسی با فعالیت صلح آمیز سر و کار دارد، ممکن است برای نمونه در بستر جنگ یا تعارض مسلحانه نیز تحقق یابد و یا برای هماهنگ سازی برخی فعالیت های خشونت آمیز مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت مشخص شدن مرز میان فعالیت دیپلماتیک و خشونت از جمله تحولات برجسته ای است که وجه مشخصه ی دیپلماسی نوین به شمار می رود. این نکته به شکل کلی تر در مورد محتوای در حال گسترش دیپلماسی نیز صادق است. از یک جنبه تغییراتی که در شکل اساسی دیپلماسی حاصل بوجود آمده در قالب اصطلاحاتی چون دیپلماسی دلار، دیپلماسی نفت، دیپلماسی منابع و دیپلماسی اتمی منعکس گردیده است. امروزه دیپلماسی از مفهوم سیاسی استراتژیک نسبتاً محدودی که زمانی برای آن حمل می شد، فراتر می رود. از طرف دیگر مناسب نیست که با قائل شدن معنایی محدود یا رسمی برای دیپلماسی، آن تنها متعلق به وزرای خارجه و کارکنان ادارات دیپلماتیک دانسته شود. چه بسا طیف وسیعی از کارکنان دیگر وزارتخانه ها با موسسات با همتایان خارجی خود به اجرای دیپلماسی در معنای فنی کلمه بپردازند. همچنین ممکن است مقامات سازمان های مختلف همچون صندوق بین

المللی پول (IMF) و دبیرخانه سازمان ملل متحد با هم یا شرکت های خارجی و یک حکومت میزبان، در حال اجرای دیپلماسی باشند. یکی دیگر از ویژگی های بسیار برجسته توسعه روش های دیپلماتیک، افزایش فوق العاده حجم فعالیت های دیپلماتیک همچون جلسات، دیدارها، مذاکرات و معاهدات است. (بارستون، ۱۳۷۹، ۲۱ و ۲۶)

۲- سازوکار اجرایی دیپلماسی پیامبر(ص)

پیامبر اکرم(ص)، پس از بعثت، از قلم و آگاهی، از هدفمندی حیات، از برابری انسان ها در خلقت و پیشگاه الهی و یکسان بودن آنان در برابر حکومت اسلامی، بطلان و نفی امتیازها و تفاخرات قومی و قبیله ای، برابری سیاه و سفید، ارزش والای زنان و حقوق قطعی ایشان بر ذمه مردان و... در جامعه عربی سخن می گفت. چنین پیام ها و تعالیمی نه تنها برای شیوخ و رؤسای قبایل، سنت شکنی و آزردهنده بود؛ بلکه با پایگاه انسانی پیامبر(ص) نیز هماهنگی نداشت. (زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ۲۳) بر این اساس، می توان دوران بیست و سه سالی که پیامبر اکرم(ص) وظیفه هدایت و رهبری جامعه را در زمینه های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حکومتی و... را بر عهده داشت به دو دوره تقسیم نمود:

الف: دوره ملت سازی: در این دوره که پیامبر اکرم(ص) به مدت ۱۳ سال در مکه اقامت داشت، شالوده های اساسی اخلاقی و اعتقادی امت اسلام با پشتوانه عظیم آیات الهی در قالب آیات مکی شکل گرفت. (موسوی، ۱۳۸۶، ۷۸-۷۹)

ب: دوره دولت سازی: پس از اینکه آزار و اذیت قریش و کفار مکه نسبت به پیامبر و یاران وی شدت گرفت، پیامبر اکرم(ص) در این صدد بر آمد تا مومنان را از این وضعیت اسفبار نجات بخشد. بنابراین، دستور خداوند برای هجرت از مکه به مدینه مناسب ترین راه برای رهایی مسلمانان از این وضعیت محسوب می گردید. بر این اساس، می توان مدینه را نخستین مرکزی در اسلام به حساب آورد که حکومت در آن شکل گرفت و در رأس این حکومت که پیامبر اکرم(ص)

قرار داشت، براساس آیات الهی و بر این اساس که حکومت جزئی جدایی ناپذیر از برنامه فراگیر اسلام است و با تمامی تحولات زمان و مکان و با توجه به تفاوت انسان‌ها سازگار و هماهنگ است، به تأسیس حکومت اسلامی پرداخت. (زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ۴۵)

هجرت به مدینه موجب گردید تا پیامبر به وظایف و اقدامات جدیدی بپردازد. بنابراین، می‌توان اهداف اولیه حکومت اسلامی را این موارد برشمرد :

الف- سیاستگذاری برای استحکام پیوندهای سیاسی، نظامی و اجتماعی مسلمانان با یکدیگر و با دو جریان اصلی اعتقادی که در یثرب وجود داشت، یعنی مشرکان و منافقان.

ب- ساماندهی به مشکلات اقتصادی مهاجران که خانه و کاشانه و ثروت خویش را در مکه ترک نموده بودند و به مدینه مهاجرت کرده بودند.

پ- گسترش اسلام در یثرب و اعراب پیرامون آن و در نهایت دعوت جهانی. از آنجایی که پیامبر اکرم(ص) می‌دانست تشکیل حکومت اسلامی در مدینه از سوی عوامل بیرونی همانند قریش و نیروهای نظامی آنان و تحریک آنان در میان قبایل بدوی و همچنین از سوی عوامل دورنی همانند بروز شکاف اختلاف و منازعه و وجود مشرکان و یهودیان مدینه و سایر هم‌پیمانان آنان همانند مشرکان مکه، تهدید خواهد شد. بنابراین، در راستای جلوگیری از چنین تهدیداتی بعد از ورود به مدینه، اقداماتی را شروع نمود که مهم‌ترین آنان عبارتست از: تأسیس مسجد به عنوان مرکز سیاسی، عبادی، اجتماعی و حکومتی در مدینه؛ انعقاد پیمان برادری و عقد اخوت دو گروه انصار (اوس و خزرج) و پیمان‌های انفرادی اخوت میان انصار و مهاجران؛ تأسیس نخستین قانون اساسی مدینه که شامل ۴ فصل و ۳۷ ماده بود که عمده‌ترین اصل آن همزیستی جریانهای اعتقادی در درون شهر مدینه بود. (ابن هشام، ۱۳۴۸ ق، ج ۱، ۳۲۶-۳۳۳)

استراتژی‌های پیامبر در روابط دیپلماتیک عبارتند از: الف) استراتژی دعوت (ب) استراتژی صلح. ج) استراتژی جهاد.

دعوت، استراتژی اول پیامبر در دیپلماسی بود و متناسب با شرایط زمانی و مکانی صورت می گرفت. شیوه ی پیامبر در استراتژی دعوت شامل: الف) تقدم دعوت بر جنگ، ب) انعطاف، ج) استفاده از نقاط مشترک است. در اسلام، اصل در روابط خارجی بر صلح استوار است و جنگ حالت استثنایی دارد و بنا به ضرورت تجویز می شود. پس با این فرض، اسلام در روابط خارجی خود صلح محور است. پیامبر(ص) از سال ششم هجرت استراتژی صلح را جایگزین استراتژی جنگ کردند. در فقه اسلامی جهاد دو مفهوم خاص و عام دارد. در معنی عام هرگونه جهاد و مبارزه در راه خدا را جهاد گویند. اما جهاد در معنی خاص، برای دین و در راه حق است که در قرآن کریم از آن به عنوان قتال تعبیر شده است. در اسلام دعوت مقدم بر جهاد است و جهاد بی دعوت مجاز نیست. در قرآن حتی یک آیه هم نمی توان یافت که بر جنگ یا کشتار مردم دلالت داشته باشد. نویسندگان و اندیشمندان اسلامی وجود امام یا نایب خاص و عام او، احتمال کسب نتیجه، دعوت رقبا به اسلام پیش از جنگ را از شرایط جهاد برشمرده اند. (موسوی، ۱۳۸۶، ۹۷)

۳- استراتژی پیامبر اکرم(ص) در روابط دیپلماتیک

۱-۳ استراتژی دعوت

در روابط خارجی اسلام، اصل دعوت به عنوان یکی از اصول اساسی مورد توجه می باشد و خداوند در سوره آل عمران، این اصل را این گونه بیان می نماید: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا» (آل عمران، آیه ۶۴)، بگو ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخن دادگرانه ای که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او نکنیم.

دعوت، اولین استراتژی پیامبر اکرم(ص) در دیپلماسی بود و این امر متناسب با شرایط زمان و مکان صورت می گرفت. برای اثبات این مدعا می توان شیوه دعوت

پیامبر را از ابتدای بعثت که با دعوت سری آغاز گردید و آن گاه موظف به تبلیغ دین اسلام در میان اقوام و خویشاوندان خویش گردید و بعد از آن، دعوت عمومی و آشکار، آغاز گردید، ذکر نمود. شیوه آن حضرت در استراتژی دعوت، شامل موارد ذیل می‌گردید:

الف) تقدم دعوت بر جنگ: در دیپلماسی پیامبر، دعوت نسبت به سایر امور در اولویت قرار داشت؛ چرا که دعوت از چنان اهمیتی برخوردار بود که پیامبر حتی در جنگ‌ها، ابتدا به دعوت می‌پرداخت و این امر حتی شامل افرادی که پیامبر قبلاً آنان را دعوت داده بود، نیز می‌گردید. (ابن هشام، ۱۳۴۸ق، ج ۳، ۲۱۶)

رفتار سیاسی پیامبر اکرم (ص)، در حوزه سیاست خارجی مبتنی بر دعوت بود و آن حضرت از ابتدای بعثت و قبل از مهاجرت به مدینه و یا بعد از هجرت و حتی هنگام فتح مدینه و مکه این اسلوب را به عنوان برنامه‌ای هدفمند و خاص برگزیده بود و علاوه بر اینکه پیامبر رسالت خویش را بر این اصل استوار گردانده بود، این شیوه را برای سفیران خویش نیز توصیه می‌نمود و سفیران ایشان نیز موظف بودند تا از دستورات ایشان تبعیت نمایند و دعوت و دیپلماسی را بر شیوه‌های دیگر مقدم بدانند. از حضرت علی علیه‌السلام نیز نقل شده است که فرمود: «پیامبر مرا به یمن فرستاد و فرمود: یا علی! با هیچ‌کسی جنگ مکن، مگر اینکه او را به اسلام دعوت کرده باشی». (منتظری، ۱۴۰۲ق، ۷۱۱)

ب) انعطاف: یکی دیگر از شیوه‌های پیامبر اکرم (ص) به ویژه در استراتژی دعوت، دعوت توأم با انعطاف و ملایمت بود و یکی از دلایل گسترش اسلام و نفوذ عمیق و وسیع پیامبر اکرم صدر قلوب دیگران، رفتار سیاسی منعطفانه آن حضرت بود. این برخورد را خداوند، برای پیامبر یک رحمت الهی می‌داند؛ چنانکه می‌فرماید:

«فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران، آیه ۲۵۹)

«از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند؛ پس از آنان درگذر و برایشان طلب آموزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی، بر خدا توکل کن؛ چرا که خدا توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد».

ج) استفاده از نقاط مشترک: پیامبر اکرم(ص) برای ایجاد انگیزه در مخالفان در جهت مذاکره و توافق‌های اصولی و راضی نمودن آنان جهت مذاکرات صلح آمیز از نقاط مشترک استفاده می‌نمود. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ۲۷۵)

استفاده از نقاط مشترک در دیپلماسی پیامبر و نامه‌ها و پیام‌های آن حضرت به سران دولت‌ها به‌خوبی مشهود است به عنوان مثال در نامه پیامبر اکرم(ص) به نجاشی پادشاه حبشه آمده است:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. از محمد فرستاده خداوند، به نجاشی اصحم، پادشاه حبشه: در آشتی هستی، من همراه با تو، خداوندی را که معبود (راستینی) جز او نیست، خداوند فرمانروای پاک، بی‌عیب و نقص، ایمن دارنده [او] نگاهبان را می‌ستایم و گواهی می‌دهم که عیسی، فرزند مریم، روح خدا و کلمه اوست که خداوند آن را به سوی مریم عذرای پاک پاکدامن افکند، آن گاه او به عیسی بارور گشت و خداوند او را از روح و دمیدن خویش بیافرید، چنانکه آدم را با دست [قدرت] و دمیدن خویش، هستی بخشید. من تو را به خدای یگانه بی‌انباز و یاریگر بر فرمانبرداری از او و اینکه از من پیروی کنی و بدانچه که به سوی من آمده است، باور داری، فرا می‌خوانم؛ چرا که من فرستاده خدا هستم و تو و سپاهیان را به سوی خداوند فرا می‌خوانم. به راستی [دعوت الهی] را رساندم و پند دادم؛ پس اندرز مرا بپذیرید و درود بر کسی که پیرو هدایت گردد».(احمدی میانجی، ۱۳۶۳، ۱۶۹)

از مجموع آیات و روایات و سیره ی پیامبر اسلام که ناظر بر دعوت هستند این گونه مستفاد می‌شود که دعوت یکی از اصولی اساسی در روابط خارجی اسلام با جوامع غیر اسلامی است و دعوت از آن چنان اهمیتی برخوردار است که جهاد

غیر مسبوق به دعوت را از مشروعیت خارج می سازد و بیشتر فقهای شیعه و سنی بر این امر اجماع نظر دارند. (خلیلیان، ۱۳۷۵، ۲۵۵)

۳-۲ استراتژی صلح:

یکی از مسائل اصلی نظام بین الملل و دغدغه دولتها، پدیده ی جنگ است. (مسائلی، ۱۳۷۱، ۲۸) بدون تردید، اقوام و قبایل ساکن جزیره العرب در دوران جاهلیت و قبل از اسلام، خواسته یا ناخواسته درگیر جنگ های خونین می شدند و حتی این جنگ ها سالها طول می کشید. در مقابل از فرصت هایی چون «ماههای حرام» و «قداست زمین مکه» برای توقف جنگ و خونریزی استفاده می کردند و بعضی از جنگها نیز ختم به صلح و مصالحه می گردید از جمله: صلح «قصی» و «خزاعه» پس از یک رشته از حوادث پرفراز و نشیب در تاریخ کهن شهر مکه، آن گاه که «قصی بن کلاب» و متحدان او از اقوام قریش، کنانه و قضاعه رویاروی قبیله خزاعه حاکمان وقت مکه قرار گرفتند، دو طرف پس از جنگی خونین با یکدیگر صلح کردند. بر اساس این صلح، توافق شد که زمام امور مکه به قصی واگذار شود و افراد قبیله خزاعه، تنها این اجازه را داشته باشند که در مجاورت آن شهر به سر برند. در پی این صلح بود که قصی به سازماندهی امور شهر مکه پرداخت و چون قصی، خود یک قریشی بود، از آن به بعد، قبیله قریش نیز به سیادت در مکه دست یافت. (منتظری مقدم، ۱۳۸۲، ۱۳۰)

«صلح» یکی از واژه های دلنشین برای جامعه بشری است. این واژه در اصل کلمه ای عربی است که در فارسی به معنای آشتی و سازش است. در فرهنگ اسلامی واژه ی «سلم» (بر وزن علم) مترادف با صلح و به معنای مسالمت آمیز است. (ابن هشام، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ۱۳۲) واژه صلح با کلماتی چون: امنیت، استقلال، رعایت حق حاکمیت، عدم مداخله و عدم توسل به زور و تهدید به کار رفته است. در فرهنگ علوم سیاسی آمده که صلح، حالت آرامش در روابط عادی با کشورهای دیگر و فقدان جنگ و نیز فقدان نظام تهدید است و منظور از همزیستی

مسالمت آمیز، رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق مصونیت، تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها و فیصله مسائل بین الملل از طریق مذاکره است. (آقا بخشی، ۱۳۶۳، ۱۹۲-۱۹۳)

در اسلام، روابط خارجی بر صلح استوار بوده و جنگ حالت استثنایی و به ضرورت تجویز می گردد. پیامبر اعظم (ص) همواره صلح خواهی را به عنوان یک استراتژی مهم در رفتار سیاسی خود در روابط خارجی اعلام کرده اند؛ به ویژه از سال ششم هجرت استراتژی صلح را به طور دقیق جایگزین استراتژی جنگ (جهاد) کردند؛ که بارزترین و ملموس ترین نمود عینی آن صلح حدیبیه بود. البته پیامبر اعظم (ص) قبل از این صلح اقدامات صلح طلبانه ای دیگری چون - صلح با بنی ضمیر و بنی مدلیج، صلح با یهودیان یشرب، صلح در غزوه ی خیبر و... انجام داده بودند. (منتظری مقدم، ۱۳۸۲، ۱۳۰-۱۳۱)

۳-۳ استراتژی جهاد:

در آیات قرآن کریم به واژه هایی چون «حرب»، «جهاد»، «قتال» اشاره شده که تمامی آنها به معنی «جنگ» است. قرآن کریم تنها «جهاد سبیل الله» را جنگ مشروع می داند. فلسفه ی جهاد در اسلام؛ حاکمیت اصول ارزشمند الهی و انسانی و رفع ظلم است. همچنین در شریعت اسلام دعوت مقدم بر جهاد است و جهاد بی دعوت مجاز نمی باشد. در حقیقت جنگ و جهاد به عنوان آخرین راه و یک ضرورت پذیرفته شده است. (شلتوت، ۱۳۵۴، ۵۲) یکی از ساز و کارهای اعمال دیپلماسی فعال پیامبر اعظم (ص) بهره گیری لازم از استراتژی جهاد بود. پیامبر اعظم (ص) به جهاد به مثابه ی یک راه حل اضطراری می نگریست و زمانی که به آن متوسل می شد که ضرورت می یافت. جهاد از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) در شرایطی مجاز شمرده می شد که همه ی راه های شرافتمندانه و مسالمت آمیز عاقلانه بسته شده باشد. این شیوه در دیپلماسی، منطبق با قاعده عقلانی «دفع افسد به فاسد» است. (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ۳۶۴-۳۶۵)

۴- سیاست‌های اجرایی دیپلماسی پیامبر اعظم(ص)

دیپلماسی وسیله ای برای اجرای سیاست به ویژه سیاست خارجی است. هدف عمده ی سیاست خارجی دولت اسلامی مدینه رسیدن به امت واحد و به وجود آمدن کشور واحد جهانی تحت حاکمیت قانون واحداهی بود. پیامبر اعظم(ص) با توجه به دو ویژگی مهم رسالت خویش (جهانی بودن و جاویدان ماندن) برای عملی شدن هدف اساسی اسلام از شیوه های متعددی استفاده می کردند. در ادامه به اهم مکانیزم های اجرایی آن اشاره می شود؛

۴-۱ مذاکره با سفرا و نمایندگان

مذاکره، در روابط خارجی دولت اسلامی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. این نکته در دعوت های پیامبر اعظم(ص) و ارسال نامه به سران ممالک غیراسلامی مشاهده می شود. پیامبر اعظم(ص) دعوت و مذاکره را برای تمام سفیران خود یک تکلیف دینی می دانست و آنان را موظف می کرد تا دیپلماسی را مقدم بر شیوه های خشونت آمیز بردارند. به دنبال فتح مکه و فراغت پیامبر اعظم(ص) از کارقریش، وی فرصت یافت تا مذاکره با سفرای قبایل و دولت ها و ملوک را فعال تر کند. از سال ششم هجری مدینه شاهد ورود هیأت های نمایندگی دولت ها و گروه های مذهبی بود. پیامبر اعظم(ص) با احترام کامل از هیأت های نمایندگی استقبال و با صداقت و قاطعیت با آنان مذاکره می کرد. (منتظری، ۱۴۰۲ ه ق، ج ۲، ۷۱۲)

با فرارسیدن سال نهم، آثار فتح مکه با سرازیر شدن اعراب به مدینه آشکار شد. سیره نویسان، سال نهم هجری را به دلیل کثرت حضور اعراب "عالم الوفود" نامیده اند. صاحب طبقات الکبری از هفتاد و سه هیأت نمایندگی در این سال نام برده است. (حسنی، ۱۳۷۸، ۱۹۳)

۴-۲ اعزام مبلغان و ارسال پیام به سران دولت ها و قبایل

یکی از شیوه های معمول در دیپلماسی و رفتار سیاسی پیامبر اعظم(ص) اعزام مبلغان و دعوت کنندگان و ارسال پیام به رؤسای قبایل و دولت ها بود. این دعوت شکل های گوناگونی داشت.

- تماس مستقیم پیامبر اعظم(ص) با افراد و سران و هیأت هایی که به مناسبت حج به مکه آمدند؛

- هجرت مسلمانان به امر پیامبر اعظم(ص) در دو نوبت به حبشه، با انگیزه و ماهیت تبلیغی؛

- اعزام شخصیت های برجسته ی مسلمان، مانند : معاذ بن حبل به یمن ، علی(ع) به یمن و مالک بن مراره ، عبدالله مهاجرین ابی امیه ، اقرع بن عبدالله حمیر؛

- اعزام هیأت های تبلیغی مانند هیأت هایی که به یمن و نجد و رجیع فرستاد؛ آن حضرت، در کنار اعزام مبلغان، به ارسال پیام ها به سران قبایل و دولت های دیگر می پرداخت. از سال ششم هجری ، با انعقاد قرار داد صلح حدیبیه و فراغت از کار قریش، مانع اصلی پیشرفت اسلام برطرف شدو فصل جدیدی در دیپلماسی پیامبر اعظم(ص) آغاز و روابط بین المللی در شکل گسترده ای وارد مرحله ی جدید شد.(موسوی، ۱۳۸۶، ۱۰۴)

۴-۳ کسب اطلاعات و مواجهه فعال با تحرکات دشمن

بدیهی است که میزان کارآمد بودن هر رفتار مستقیم با بستر شکل گیری آن رفتار دارد و شناخت دقیق شرایط پیرامون داخلی و خارجی در تصمیم گیری بسیار مهم است. طبق نظر سیستمها تعادل نظام سیاسی در گرو میزان دقت عملهای دستگاههای اطلاعاتی به بازخورد است. بنابراین، نظام سیاسی برای حفظ تعادل و نظم داخلی خود نیازمند اطلاعات لازم و کافی است و اطلاعات از وضعیت خود و دیگران برای برقراری نوع و سطح روابط بسیار موثر است. پیامبر اکرم(ص) هم به عنوان رئیس دولت اسلامی مدینه بر این امر واقف بود و بر

اساس اطلاعات دقیق اقدام به تصمیم گیری می کرد. آن حضرت برای به دست آوردن اطلاعات متناسب با شرایط آن روزگار از شیوه های مختلف بهره می گرفت. مثلا در جنگها و غزوات گروهی را پیشرو سپاهیان می کرد تا از وضعیت دشمن و شرایط حاکم بر آنها اطلاعات لازم را کسب کرده و آن را در اختیار پیامبر بگذارند. از طرف دیگر، نتیجه عینی دیگر، برخورداری از پشتوانه قوی اطلاعاتی شناخت دقیق از وضعیت طرف مقابل و در شرایط بحرانی اتخاذ تصمیم خردگرایانه و انتخاب عقلایی است (موسوی، ۱۳۸۶، ۱۰۶-۱۰۷)

۴-۴ انعقاد پیمان ها و قراردادهای سیاسی

۴-۴-۱ - منشور مدینه یا نخستین قرارداد بین المللی در اسلام : یکی از مهم ترین و جامع ترین پیمان هایی که از سوی پیامبر اعظم (ص) با جوامع دیگر، اهل کتاب و مشرکین برقرار شد، پیمانی است که در آغاز ورود پیامبر اعظم (ص) به مدینه، برای حفظ و امنیت داخلی و خارجی تدوین شد (منشور مدینه) و برخی از مفاد آن بدین قرار است:

- هیچ مؤمنی، مؤمن دیگر را به جای کافری نکشد و کافری را بر ضد مؤمنی یاری نکند؛

- عهد و پیمان خداوند یکی است و کوچکترین فرد مسلمان اگر کسی را در پناه خود آورد، همه آن را می پذیرند؛

- از یهودیان، هر کس هم پیمان ما باشد از یآوری و برابری برخوردار می شود و کسی به او ستم نمی کند و کسی برضد او یار نمی شود؛

- انتقام خود (قصاص) ممنوع نیست . هر کس دیگری را به قتل برساند قاتل و خانواده ی او ضامن می باشند.

- نفقه ی یهودیان بر یهودیان و نفقه ی مسلمانان بر مسلمانان است ،

- برای امضا کنندگان این منشور، شهر یترب حرم شمرده می شود؛

- این پیمان از ستمکار و گناهکار پشتیبانی نمی کند (شهیدی، ۱۳۵۹، ۴۹-۵۴)

۴-۲ صلح حدیبیه: پیمان صلح حدیبیه که در سال ششم هجری برقرار شد، نقطه‌ی عطفی در زندگی سیاسی پیامبر اعظم(ص) بود. برخی از مفاد پیمان صلح حدیبیه بدین قرارند:

- قریش و مسلمانان متعهد شدند که تا ده سال با هم جنگ نکنند؛
- اگر فردی بدون اجازه به مدینه فرار کند، پیامبر در صورت تقاضای قریش اورابه مکه باز گرداند، ولی اگر مسلمانی به قریش پناهنده شود او را تحویل نخواهند داد؛

- مسلمانان و قریش می‌توانند با هر قبیله‌ای که خواستند پیمان ببندند؛
- طرفین متعهدند که اموال یکدیگر را محترم بشمارند.

از آثار و پیامدهای صلح حدیبیه می‌توان به شناسایی دولت اسلامی مدینه؛ گشوده شدن راه جهت دعوت بیشتر مردم به اسلام؛ وقوف مکیان بر سیاست صلح طلبانه، پیامبر اعظم(ص)، فتح مکه و آمد و شدنمایندگان سیاسی قبایل با پیامبر اعظم(ص) بعد از آن، اشاره نمود(ابن هشام، ۱۳۴۸ق، ۳۳۴)

۴-۳ پیمان صلح دائمی با مسیحیان نجران: یکی دیگر از معاهدات بین المللی پیامبر اعظم(ص) پیمانی است که آن حضرت با نصاری نجران، بست. پیامبر اعظم(ص) طی نامه‌ای به ابوحارثه، اسقف نجران، ساکنان آن دیار را به پذیرش اسلام دعوت کرد و گروهی به عنوان هیات نمایندگی نجران به منظور مذاکره با پیامبر اعظم(ص) و بررسی دلایل او به مدینه آمدند.

بعد از طرح مباحثه و سرباز زدن مسیحیان از این کار پیمان صلحی میان آن حضرت(ص) و مسیحیان به امضای رسید و مسیحیان متعهد به پرداخت مبلغی به صورت سالیانه به دولت اسلامی شدند و در برابر، پیامبر اعظم(ص) نیز مسؤولیت دفاع و جلوگیری از هرگونه ظلمی از طرف مسلمانان به مسیحیان نجران و آزادی آنان در مراسم مذهبی را به عهده گرفتند.(خدوری، ۱۳۳۵، ۳۴۸)

۴-۵ حکمیت

یکی از شیوه های حل اختلاف دولت ها، بهره گیری از «حکمیت» است. این قاعده از نخستین روزهای زندگی اجتماعی بشر به صورت یک قاعده ی عرفی در ایران، یونان و روم باستان و در دوره ی جاهلیت عرب قبل از اسلام وجود داشته است. نمونه های کاربرد حکمیت در تاریخ اسلام بدین قرارند:

- پس از شکست قبیله ی پیمان شکن یهود بنی قریظه و پیشنهاد به پیامبر اعظم (ص) در خصوص حکمیت سعد بن معاذ و قبول ایشان و حکم صادره از سوی او؛

- حکمیت در جنگ صفین در سال ۳۷ هجری؛

- حل اختلافات به صورت داوری و حکمیت رسمیت داشت که نمونه های زیادی از این داوریها در تاریخ ذکر شده که معروفترین آنها داوریهای عبدالمطلب برای قریش درباره حفر چاه زمزم و نصب حجر الاسود در جدار خانه کعبه و... است. (خلیلیان، ۱۳۷۵، ۲۲۰-۲۲۱)

۴-۶ تألیف قلوب (ابزار اقتصادی)

یکی دیگر از مکانیزم های اجرای دیپلماسی پیامبر اعظم (ص) تألیف قلوب بود که تاریخ اسلام شواهد متعددی از این اقدام آن حضرت (ص) را ثبت کرده است. تألیف در لغت به معنای پیوند دادن و ارتباط ایجاد کردن است. این پیوند و ارتباط شامل دو بعد مادی و معنوی است. واژه تألیف و الفت در قرآن به همین معنا به کار رفته و این کلمه از واژه های مقدس قرآنی است: «لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم ولكن الله الف بینهم» (سوره انفال، آیه ۶۳)؛ ای پیامبر اگر تمام آنچه که روی زمین است مصرف میکردی نمی توانستی آن چنان که خداوند به واسطه اسلام میان دلهای مردم الفت و پیوند داد، تألیف و پیوند بدهی.

تألیف قلوب در اصطلاح فقه سیاسی عبارت است از حمایت مالی و اقتصادی امام مسلمین به منظور جذب مردم به اسلام. پیامبر اعظم (ص) به عنوان رهبر نخستین دولت اسلامی در موارد عدیده ای از این ابزار اقتصادی برای گسترش اسلام بهره گرفت. و علی رغم مخالفت دیگران در این جهت سرمایه گذاری می کرد. (ابن هشام، ۱۳۴۸ ق، ۳۵۷).

نتیجه گیری

دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله فعالیتها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و سفیران برگزیده او در راستای انجام وظایف سیاسی دولت اسلامی، تحقق بخشیدن به خطمشی های کلی اسلام در عرصه روابط بین الملل انجام داده اند. در واقع، زیربنای دیپلماسی پیامبر صلی الله علیه و آله رساندن پیام انسان ساز وحی به همه ملت ها در همه زمانهاست. از اصول اساسی در سیره سیاسی نبوی به ویژه قبل از برخورد و جنگ ها الزام مسلمانان و فرماندهان سپاه اسلام به دعوت و مذاکره برای رسیدن به توافق و تفاهم بوده است. استراتژی های پیامبر (ص) در روابط دیپلماتیک را می توان به استراتژی دعوت، صلح و جهاد تقسیم بندی نمود که زیربنای سیاست های اجرایی دیپلماسی ایشان که همانا مذاکره با سفرا و نمایندگان، ارسال پیام به سران دولت ها و قبایل، انعقاد پیمان ها و قرار دادهای سیاسی، تألیف قلوب می باشد را تشکیل می دهد.

منابع

قرآن کریم

منابع و ماخذ:

- آقابخشی، علی (۱۳۶۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، نشر تندر
- ابن هشام، (۱۳۴۸) سیره النبی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات الاسلامیه
- احمدی میانجی، علی (۱۳۶۳) مکاتیب الرسول، قم، انتشارات یس
- بارستون، آرپی (۱۳۷۹) دیپلماسی نوین، تهران، نشر دادگستر
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه (۱۳۸۵)، تهران، موسسه لغت نامه دهخدا
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۲) ترمینولوژی حقوق، چاپ بیست و پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش
- حسینی، علی اکبر (۱۳۷۸) تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور
- خدوری، مجید، الحرب و سلم فی شریعه الاسلام، ترجمه غلامرضا سعیدی، ۱۳۳۵، تهران، اقبال
- خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۷۵) حقوق بین الملل اسلامی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۱) تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، انجمن معارف اسلامی ایران
- سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳) دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، چاپ چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- شلتوت، شیخ محمود (۱۳۵۴) جنگ و صلح در اسلام، ترجمه شریف رحمانی، تهران، انتشارات بعثت شهیدی، سید جعفر (۱۳۵۹) تحلیلی از تاریخ اسلام، تهران، نهضت زنان ایران
- صدر، جواد (۱۳۷۶) حقوق دیپلماتیک و کنسولی، تهران، دانشگاه تهران
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی (۱۳۸۸)، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ نما
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹) فقه سیاسی: حقوق معاهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران، سمت
- مسائلی، محمود (۱۳۷۱) جنگ و صلح از دیدگاه حقوق و روابط بین الملل تهران، وزارت امور خارجه معین، محمد، فرهنگ فارسی (۱۳۸۶)، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات امیر کبیر
- موسوی، محمد (۱۳۸۶) دیپلماسی و رفتار سیاسی در اسلام، تهران، دانشگاه پیام نور
- منتظری، حسینعلی (۱۳۷۴) مبانی فقهی حکومت اسلامی، جلد ۵، تهران، نشر تفکر
- (۱۴۰۲ق)، فقه الدوله الاسلامیه، جلد ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی
- منتظری مقدم، حامد (۱۳۸۲) صحنه های صلح و آشتی درخشش در کارنامه رسول خدا، ویژه نامه تاریخ اسلام، معاونت امور اساتید و نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها